

بررسی تطبیقی دو الگوی سنتی و غربی خانه در دوره قاجار؛ نمونه موردی: خانه مشکیان یزد و عمارت ذوالفقاری زنجان

مهدی سعادت‌ی خمسه* - دکترای معماری از آکادمی ملی علوم آذربایجان، دانشگاه شمال، آمل، ایران.

چکیده

معماری قاجار فصل دگرگونی آرمان‌ها و ارزش‌ها و عرصه تنوع و تضاد در شیوه‌ها و گرایش‌های معماری و شهرسازی ایران است. این دگرگونی، هم‌زمان با رنگ باختن تدریجی مبانی هویت اجتماعی گذشته مانند قومیت، مذهب و زبان و نیل آن به سوی مفاهیمی همچون فرادستان (خواص)، و فرودستان (عوام) نمود بسیار برجسته‌ای در حوزه معماری مسکونی پیدا کرد و ساختار همگون و یکپارچه محلات سنت‌محور سابق را به عرصه چالش میان سنت و تجدد و ابراز تفاوت‌ها و تمایزات طبقاتی مبدل نمود. این تحقیق، از طریق بررسی توصیفی و تحلیلی چند نمونه مفروض سنتی و غربی خانه در دوره قاجار، در صدد استخراج و تبیین شاخصه‌های سنت و تجدد در معماری مسکونی آن دوران دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که معماری مسکونی قاجار در گذر از جهان سنت به تجدد، صرف نظر از عدم تحول در فن ساختمان، با استقرار برون‌گرایی به جای درون‌گرایی، اعمال تغییرات کالبدی و فضایی در نظام گردش و الگو برداری مستقیم از عناصر و تزئینات معماری غرب، تحولی بسیار عظیم و پرشتاب را پشت سر نهاد؛ لیکن عدم تکاپو در راستای بهره‌برداری و تکامل دستاوردهای اصیل و تاریخی معماری سنتی ایران موجب شد که تحول به وجود آمده به عرصه تقابل و تضاد در معماری مسکونی ایران مبدل گردد.

واژگان کلیدی: معماری قاجار، خانه‌های سنتی، خانه‌های غربی، خانه مشکیان، عمارت ذوالفقاری.

A Comparative Investigation of Two Traditional and Western Architecture Models of Houses in the Qajar Era (Case Study: Meshkian House in Yazd and Zolfaqari House in Zanjan)

Abstract

Qajar architecture is a turning point in ideals and values as well as the field of diversity and contrasts in Iranian architecture and urban planning methods and tendencies. This turning point, concurrent with the gradual fade of basics of previous social identity such as ethnicity, religion, language, etc. and its movement towards concepts such as the superordinate (elites) and subordinates (people) became an outstanding instance in residential architecture in such a way that it changed the traditional homogenous and monolith structure of neighborhoods with the challenges between tradition and modernity and the use of the instrument of class differences and distinctions. The present study, conducted via a descriptive-analytical method on some case traditional and western mansions of the Qajar era, is to extract and explain characteristics of tradition and modernity in residential architecture of that era. Findings of the study show that the Qajar residential architecture passed a very tremendous and fast transformation in its passage from the traditional to the western world and regardless of no transformation in the building technology, by establishment of extroversion instead of introversion, formal and spatial changes in the circulation system, and direct modeling of elements and decorations of western architecture. However, no significant dynamics in line with utilization and completion of genuine and historical achievements of Iranian traditional architecture caused that that transformation became the field of contradictions and contrasts in Iranian residential architecture.

Keywords: Qajar architecture, traditional houses, western houses, Meshkian house, Zolfaqari house.

* نویسنده مسؤل مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۳۹۳۱۴۱۶۳۵، رایانامه: mhd.saadati@gmail.com

این مقاله از رساله دکتری نگارنده با عنوان «پژوهشی بر معماری داخلی دوره قاجار (خانه‌ها، کاخ‌ها و مساجد شاهی)» به راهنمایی پروفسور شامیل فتح‌الله‌یف استخراج شده، که در تاریخ ۱۳۹۳/۰۸/۳۰ از آن دفاع شده است.

غالب ساخت و سازهای انجام شده در دوره قاجار، به واسطه افزایش مهاجرت به شهرهای دارای امکانات و جاذبه‌های نوین و در نتیجه افزایش وسعت و جمعیت آنها، معطوف به ساخت مسکن برای ساکنان جدید بود؛ از این رو نام‌گذاری معماری این عصر با عنوانی همچون معماری خانه‌سازی و خانه‌های مسکونی ادعایی دور از حقیقت به نظر نمی‌رسد. در این دوره، همزمان با رشد طبقه ممتاز بازاری، قدرت گرفتن روحانیون و خوانین روستاها و ظهور طبقات ممتاز درباری یا غیردرباری متأثر از فرهنگ و تمدن غربی، عمارت خانه‌های شاخص متعلق به متمولین به تدریج رواج یافت (قاسمی و معاریان، ۱۳۸۹، ص ۹۱). این بستر متنوع فرهنگی و اجتماعی بالطبع زمینه‌ساز ظهور و تجلی سبک‌هایی متعدد در معماری مسکونی ایران می‌شد. خانه‌های دارای سبک و سیاق سنتی عمده‌ترین حجم بناهای مسکونی این دوران را تشکیل می‌دادند و عمارت آنها در اوایل این دوره مورد استقبال عوام و خواص جامعه بود.^۱ روند احداث این خانه‌ها با اوج‌گیری نفوذ فرهنگ و تمدن غربی از اواسط دوره قاجار، در میان خواص جامعه به تدریج کم‌رنگ شد و در اواخر این دوره صرفاً توسط عوام جامعه به حیات خود ادامه داد. از اوایل دوره ناصری خواص متمول جامعه، که به سبب سفر به فرنگ یا آشنایی با فرهنگ و تمدن غربی گرایش نسبتاً زیادی به بهره‌گیری از هنر معماری غرب در طرح خانه‌های خود داشتند، به تدریج زمینه‌های ظهور خانه‌هایی به سبک تلفیقی و دوقطبی شدن سبک‌های رایج در معماری مسکونی را فراهم کردند. روند گرایش به معماری غرب به همین جا ختم نگردید و در اواخر دوره ناصری و سه دهه پایانی عصر قاجار خانه‌هایی به سبک کاملاً غربی توسط خواص متمول و رجال متنفذ قاجاری پدید آمد (نک ۲۴۵: Ghobadian, 2004). تنوع عوامل موجود در شکل‌گیری معماری مسکونی قاجار موجب شد که خانه‌های قاجاری به نقطه اوج آثار معماری این عصر در تجلی جامع ویژگی‌های معماری آن دوران و انعکاس مفاهیم متعددی همچون سنت و تجدد، اصالت و نوگرایی،

۱. خانه‌های سنتی، درون‌گرا و حیاط‌محور بودند و بدون لحاظ طبقه اجتماعی مالک آن، چه از مردم عادی بود و چه از اشراف، به سبک سنتی و مطابق با اصول معماری سنتی ایرانی احداث می‌شدند (قریب، ۱۳۷۴: ۲۰۶).

تنوع و خلاقیت‌های فضایی، درون‌گرایی و برون‌گرایی و غیره مبدل گردند. بدیهی است که پرداختن به تحولات روی داده در معماری مسکونی این عصر بر اساس دو محور اصلی سنت‌گرایی و تجددطلبی می‌تواند تصویری مهم و کاربردی از اصول و مبانی خانه‌های سنتی ایران و خانه‌های معاصر دارای هویت غربی در اختیار ما قرار دهد. بر این اساس، مسئله اصلی این تحقیق استخراج و تبیین شاخصه‌های سنت و تجدد در معماری مسکونی قاجار از طریق بررسی پیشینه پژوهش و توصیف، تحلیل و مقایسه خصوصیات معماری دو نمونه مفروض سنتی (خانه مشکیان یزد) و غربی (عمارت ذوالفقاری زنجان) خانه‌های این دوره، از دوازده خانه بررسی شده، خواهد بود، که با وجود برخی تحقیقات ارزشمند مرتبط با موضوع، به صورت شایسته و کافی به آن پرداخته نشده است. پرسش‌های پیش روی پژوهش عبارتند از:

۱. خانه مشکیان یزد و عمارت ذوالفقاری زنجان دارای چه شاخصه‌هایی در معماری و تزیینات خود هستند؟
 ۲. در فرایند تحول معماری مسکونی قاجار از سبک سنتی به غربی، چه تغییر و تحولاتی در خانه‌های آن دوران، با فرض و مقایسه بین خانه مشکیان یزد و عمارت ذوالفقاری زنجان، روی داده است؟
- در راستای اهداف و سئوالات تعیین شده از شیوه توصیفی-تحلیلی برای انجام این پژوهش استفاده شده است. بدنه‌ی اصلی و گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به تحقیقات میدانی، با استناد به منابع و متون چهارگانه شامل «منابع مکتوب»، «اظهارات ساکنین قدیمی و جدید خانه‌ها و افراد سالخورده شهر»، «تصاویر و عکس‌های قدیمی» و «اطلاعات میدانی فراهم‌شده از خود بناها» به دست آمده، که با توجه به اسناد موجود پژوهش مشابهی تاکنون در این زمینه صورت نگرفته است.

۲- پیشینه تحقیق

مروری بر مجموعه اسناد و پژوهش‌های حوزه مورد بحث نشان می‌دهد که مبحث خانه و تحولات آن در عصر قاجار آن‌چنان‌که شایسته است مورد توجه پژوهشگران معاصر قرار نگرفته و غالب تحقیقات موجود نیز بدون تأکید جدی

بر روند تحول در خانه‌های آن دوران به توصیف و تحلیل موردی آنها اختصاص یافته است. با تمامی این اوصاف در پژوهش‌هایی معدود و انگشت‌شمار سعی در بررسی روند تحولات و تکاپوی سنت و تجدد در معماری مسکونی قاجار شده است، که از آن جمله به مواردی چند می‌توان اشاره کرد: قاسمی سیچانی و معماریان (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «گونه‌شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان» خانه‌های اصفهان را بر اساس ویژگی‌های فضای معماری، سازه و تزئینات به سه گونه دوره اول، دوم و سوم تقسیم می‌نمایند. رمضان جماعت و نیستانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های سنت و تجدد در فضاهای ورودی خانه‌های تهران دوره قاجار» با اشاره به کلیات سبک‌های معماری مسکونی در تهران دوره قاجار، فضاهای ورودی خانه‌های قاجاری تهران را بسته به میزان تاثیرپذیری از معماری سنتی ایران و معماری غرب به سه گروه با شاخصه‌های متفاوت سنتی، تلفیقی و جدید تقسیم می‌نمایند.

۳- خانه مشکیان یزد (نمونه موردی خانه سنتی)

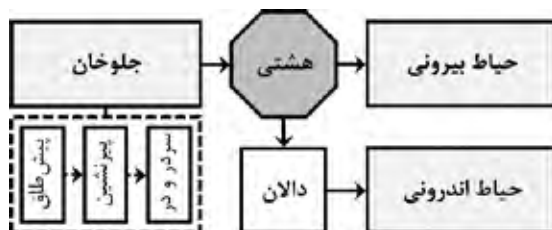
این خانه در کوچه فردوس محله گازرگاه یزد، واقع در بافت تاریخی و قدیمی شهر، قرار گرفته است. دیرینگی بنا به اواخر قرن نوزدهم و دوران حکومت ناصرالدین شاه (حدوداً ۱۸۸۰ میلادی) برمی‌گردد. از این خانه، که جزئی از مجموعه‌ی احداثی حاج علی اکبر مشکیان به شمار می‌رود، برای پذیرایی از مهمانان و برگزاری مراسم روضه‌خوانی خانواده استفاده می‌شده است. خانه در حال حاضر متروک و رو به ویرانی است (حاجی قاسمی و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۲۰۰).

۴- معماری خانه مشکیان

نمای بیرونی خانه به صورت ساده، بدون تزئین و بدون روزن است. این ویژگی، که در عموم خانه‌های سنتی مشاهده می‌شود، ضمن نشان‌دادن تقدم و ارجحیت درون بر برون در جهان‌بینی ایرانی و اسلامی^۱، مانع از تاثیر و

۱... مولانا در داستان موسی و شبان با بیت «ما برون را ننگریم و قال را / ما درون را بنگریم و حال را» تعبیری بسیار زیبا نسبت به این اصل در کتاب مثنوی معنوی دارد. به اعتقاد هربرت رید، از جنبه‌های عجیب هنر اسلامی این بود که وقتی فضای اندرونی تزئین می‌شد، در برون از تزئین خبری نبود (نک رید، ۱۳۶۷، ص ۵۶۲).

نفوذ شرایط نامساعد جوی به حریم خانه می‌شود. سلسله مراتب فضایی ورود به خانه به شیوه کلاسیک متداول در معماری سنتی ایران، یعنی جلوخان-هشتی-دالان-حیاط، شکل گرفته است (نمودار ۱). جلوخان، به استثنای عنصر پیرنشین، دارای تمامی مشخصه‌های یک جلوخان ایرانی است. عقب نشینی ورودی از گذر علاوه بر این که نشان‌دهنده اهمیت عدم تجاوز به حریم گذر و عابرین در خانه ایرانی است، فضایی سرپوشیده و نیمه‌باز را در اختیار مراجعین خانه قرار می‌دهد. در پلان جلوخان ورودی تغییر جهتی ۴۵ درجه وجود دارد. این امر موجب تقویت حریم فضایی بصری و فیزیکی هشتی شده است. در اطراف هشتی سکوهایی جهت استراحت، انتظار و قرار دادن تجهیزات مورد نیاز، همچون شمع و غیره، وجود دارد. پیرامون هشتی سه راه وجود دارد. راه اول توسط دالانی غیرمستقیم و دارای جهت جنوب به شمال به ضلع جنوبی حیاط اندرونی متصل می‌شود، راه کوتاه دوم به سمت غرب هشتی و به حیاط بیرونی می‌رسد و راه سوم به طبقه بالای خانه منتهی می‌شود. شیوه تفکیک فضایی ورود به فضای خصوصی و عمومی خانه بسیار واضح و درخشان است و تردیدی را در شخص مراجعه‌کننده ایجاد نمی‌کند. این شیوه، حریم دسترسی غیرمحارم به فضاهای خانه را در همان بدو امر به خوبی مشخص می‌کند. به تبع این تقسیم‌بندی فضاهای واقع در ضلع غربی حیاط بیرونی، فضای سکونت اهالی خانه نیست و برای تخلیه کالا و انبار و همچنین سکونت خادم خانه و مطبخ در نظر گرفته شده است. در امتداد دالان ورودی و پس از دو تغییر جهت عمود بر هم وارد حیاط اندرونی می‌شویم. تغییر جهت در مسیر حرکت به اندرونی مانع ارتباط بصری هشتی و حیاط اندرونی می‌شود. این امر در هماهنگی کامل با اصل محرمانگی و سلسله مراتب در معماری ایرانی است (جدول ۱، نقشه ۱).



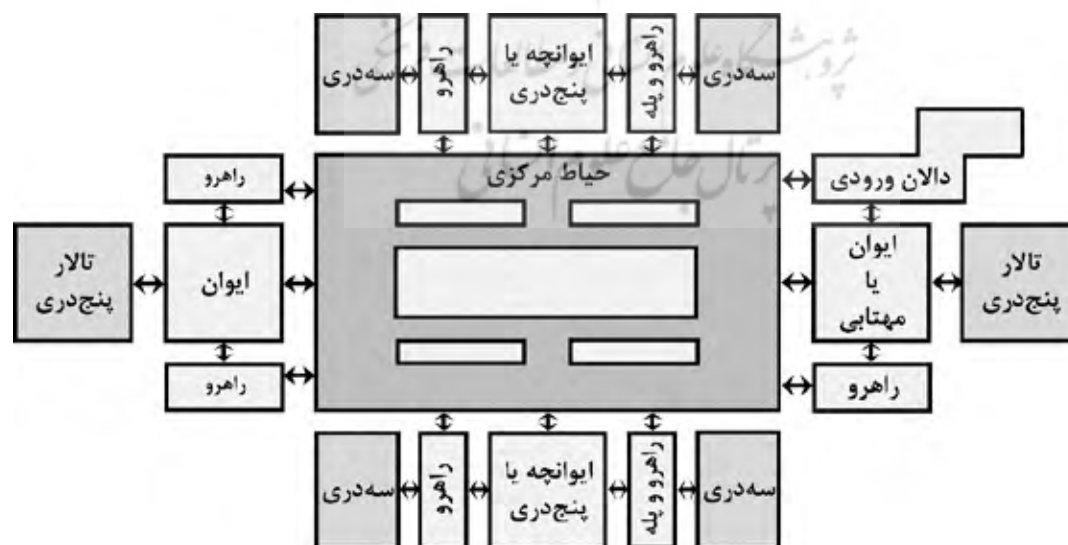
نمودار ۱. سلسله مراتب غالب ورودی در خانه‌های سنتی عصر قاجار؛ مأخذ: نگارنده

حیاط اندرونی به شکل مستطیل است و با تبعیت از رون راسته در امتداد شمال شرقی-جنوب غربی قرار دارد. جبهه‌های اطراف حیاط نیز از این جهت یا جهت عمود بر آن تبعیت می‌کنند. در امتداد طولی و مرکزی حیاط، حوضی کشیده، همراه با دو باریکه از باغچه در طرفین آن، وجود دارد. با نگاهی به پلان حیاط متوجه می‌شویم که وجود حوض و باغچه‌ها فضای قابل توجهی برای مکث و تفرج در حیاط باقی نگذاشته است و در سطوح خالی حیاط جنبه‌های حرکتی و ارتباطی ارجحیت دارد. اینجا است که نقش کاربردی دو ایوان نسبتاً بزرگ حیاط بیش از پیش روشن‌تر می‌شود و ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که معمار ایرانی در پاسخگویی به نیاز فطری انسان در ارتباط با طبیعت بهترین راه را برگزیده و با ایجاد فضایی نیمه‌باز به صورت ایوان، ضمن کنترل عوامل محیطی ناخوشایند، مانند تابش مستقیم نور خورشید، باد، باران و غیره، طبیعت را به بهترین شکل ممکن در اختیار ساکنین خانه قرار داده است (شکل ۱).

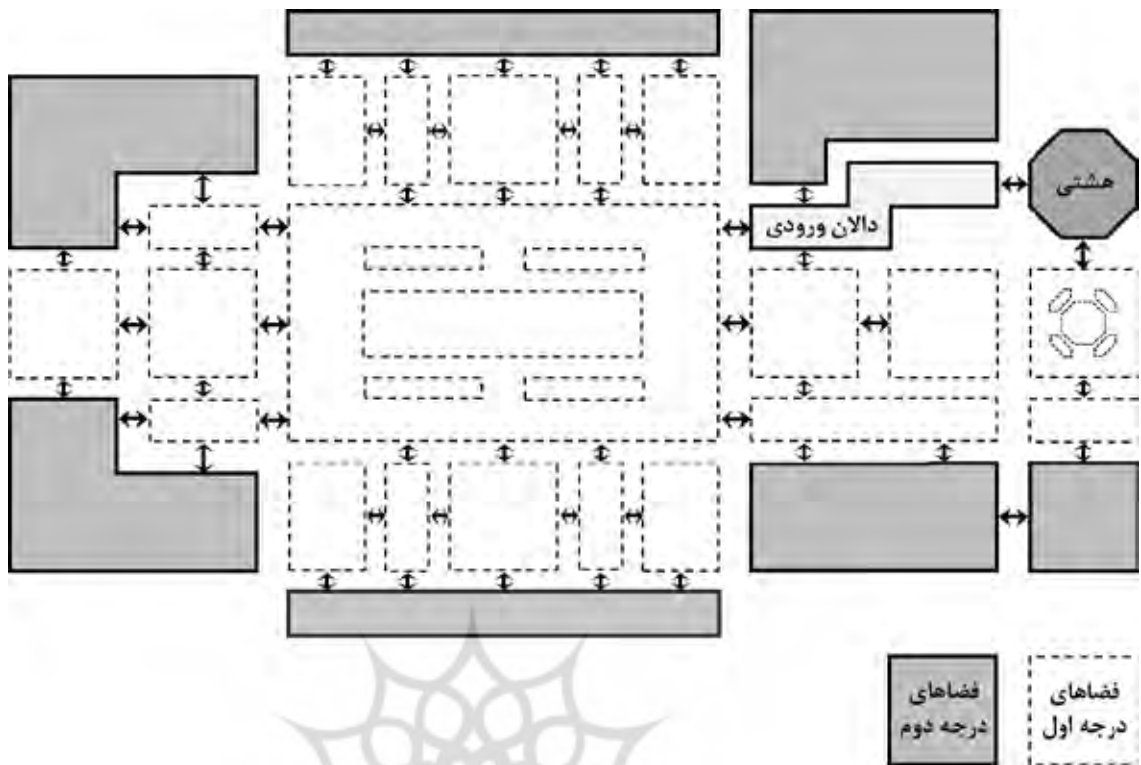
در جبهه شمالی سه سهدری وجود دارد، که به وسیله دو راهرو از هم جدا شده‌اند. سهدری وسط از پشت به اتاقی کشیده و عمود بر جهت آن متصل می‌شود، که تداعی‌گر فضای تالار است. البته قابل ذکر است که این شیوه طراحی موجب می‌شود که فضای پشت سهدری علاوه بر داشتن

حس تالار، از نور خورشید نیز بهره‌مند شود و از اتاق سهدری در فصل تابستان خنک‌تر و در فصل تابستان گرم‌تر نیز باشد. جبهه جنوبی دارای ایوانی نسبتاً بزرگ است متصل می‌شود، که در طرفین آن دو راهرو نسبتاً عریض وجود دارد. راهرو شرقی همان ادامه دالان ورودی است و راهرو غربی به مطبخ و انبار واقع در قسمت غربی بیرونی راه پیدا می‌کند. در واقع تفکیک‌بندی حوزه‌هایی فضایی بر اساس میزان نیاز آنها به بهره‌مندی از امکانات محیطی حیاط مرکزی به نحو احسن انجام شده است و فضاهای دارای اولویت زیستی و سکونتی بالا پیرامون حیاط اندرونی قرار گرفته‌اند (نمودار ۲). بدیهی است که به تبع قرارگیری هر فضایی در اطراف حیاط مرکزی شرایط محیطی مطلوب‌تری برای آن فضا، من جمله دسترسی به نور، منظر، تهویه و غیره، فراهم می‌گردد. بدین سبب قرارگیری فضاهای درجه دویی همچون انبار و مطبخ در قسمت غربی حیاط بیرونی (بدون وجود نورگیری مستقیم) بسیار هوشمندانه به نظر می‌رسد (نمودار ۳ و ۴).

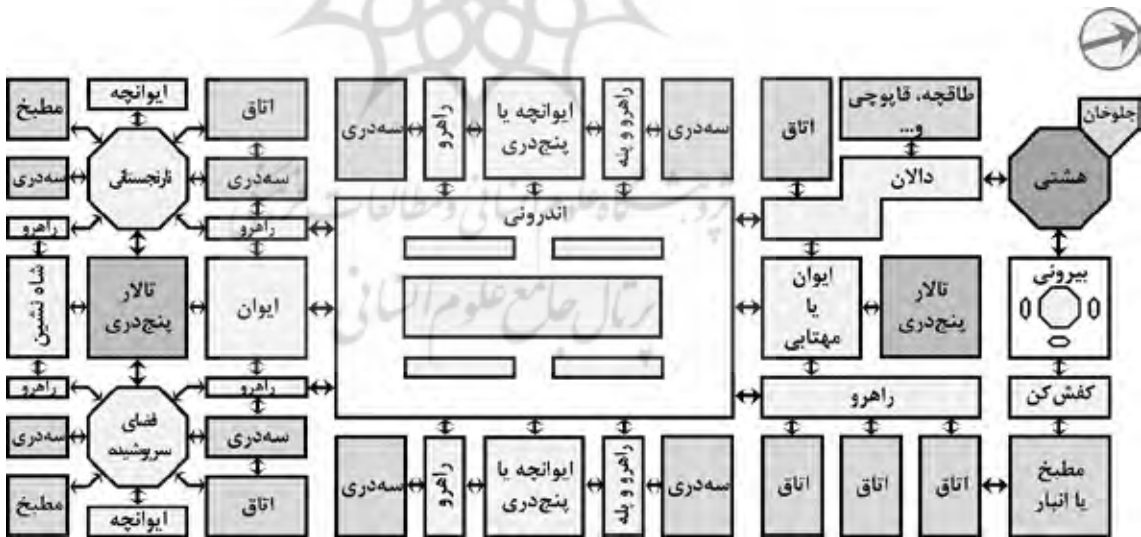
ترکیب‌بندی پلان و نما در جبهه‌های غربی و شرقی بسیار شبیه به یکدیگر است؛ با این تفاوت که در مرکز جناح غربی تالار پنج‌دری و در مرکز جناح شرقی ایوانی هم‌اندازه با تالار مذکور وجود دارد (جدول ۱).
ضلع جنوبی اندرونی به صورت دوطبقه بنا شده است و ایوانی بزرگ به ارتفاع دو طبقه در مرکز آن وجود دارد. در



نمودار ۲. کلیاتی از نحوه قرارگیری فضاهای درجه اول اولویت فضایی خانه‌های سنتی (مانند تالار بادگیر، سهدری، پنج‌دری، ارسی، بالاخانه و غیره) پیرامون حیاط مرکزی؛ مأخذ: نگارنده



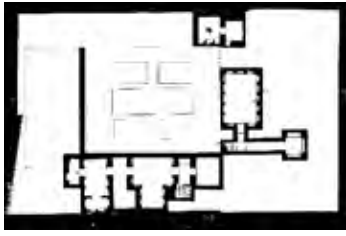
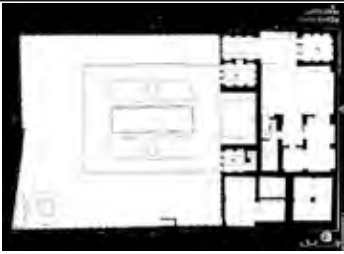

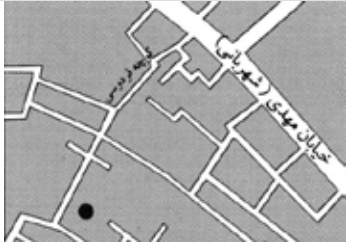
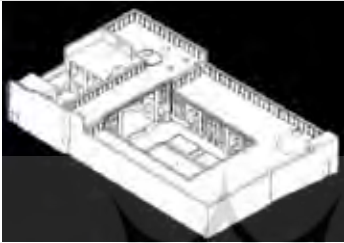

نمودار ۳. کلیاتی از نحوه قرارگیری فضاهای درجه دوم اولویت فضایی خانه‌های سنتی (مانند انبار، پستو، مطبخ، فضاهای ورودی و غیره) پیرامون حیاط مرکزی؛ مأخذ: نگارنده



نمودار ۴. کلیاتی از الگوی نسبتاً غالب ارتباطات و قرارگیری فضاها در خانه‌های سنتی دوره قاجار بر اساس تجزیه و تحلیل نمونه‌های موردی و پیشینه تحقیق؛ مأخذ: نگارنده

طرفین ایوان دو دالان عریض و بر روی آنها دو گوشواره سهدری وجود دارد. این امر ضمن ایجاد هارمونی بصری ایوان با فضاهای پیرامون موجب تاکید بر آن نیز شده است (جدول ۱، نقشه ۵).

جدول ۱. نقشه‌های خانه مشکیان (یزد)

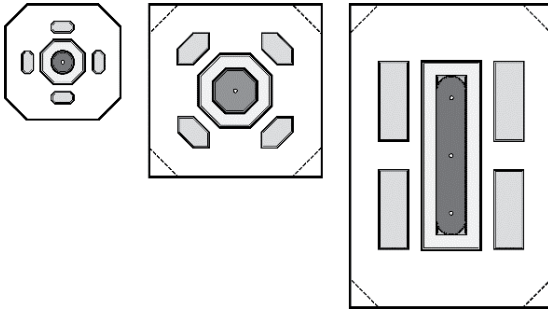
۳. پلان زیرزمین	۲. پلان طبقه دوم	۱. پلان طبقه اول
		
مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۰۴	مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۰۳	مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۰۲
۶. پلان موقعیت	۵. پرسپکتیو	۴. مقاطع
		
مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۰۰	مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۰۶	مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۰۴



شکل ۱. تصاویری از نماهای داخلی خانه مشکیان (یزد). تصویر راست: جبهه‌های شمال شرقی و شمال غربی حیاط؛ مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۲؛ و تصویر چپ: جبهه جنوبی حیاط و ایوان مرکزی آن؛ مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۱.



شکل ۲. تصاویری از فضاهای داخلی خانه مشکیان (یزد). تصویر راست: اتاق پنج‌دری (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۳)؛ تصویر چپ: شاه‌نشین (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۶)



نمودار ۵. اشکال غالب و تناسبات تقریبی حیاط در خانه‌های سنتی عصر قاجار (از راست به چپ: اندرونی، بیرونی و نارنجستانی)؛ مأخذ: نگارنده

۵- عناصر و تزینات خانه مشکیان

همان گونه که اشاره شد نمای بیرونی خانه عاری از تزینات است، ولی جلوخان ورودی جهت تکریم مهمانان و تاکید بر فضای ورودی دارای عناصر و تزینات رایج در تمامی جلوخان‌ها و سردرهای ورودی خانه‌های ایرانی است. فضای هشتی نیز به واسطه وجود طاقچه‌ها و سکوها حس و حال فضایی مربوط به خود و ایجاد مکث در عابر را دارد. عمده تزینات نسبتاً کمینه به کار رفته در خانه متمرکز بر پنج‌دری‌ها، سه‌دری‌ها، طاقچه‌ها و قوس‌های داخل اتاق‌ها و طاق‌نماها و قوس‌های به کار رفته در نماهای چهارگانه حیاط و گچ‌بری‌های انجام شده در ایوان‌ها است (شکل ۱). طاق‌نماهای کار شده در دهانه‌های پنج‌دری‌ها و سه‌دری‌های جناحین شرقی و غربی حیاط به طور جناغی است؛ در حالی که در جناحین شمالی و جنوبی به صورت نیم‌هلال به کار رفته‌اند. طاق‌نمای به کار رفته در ایوان‌ها دارای قوس کلید است. قوس‌های به کار رفته در بالای تمامی پنج‌دری‌ها و سه‌دری‌ها به صورت نیم‌هلال رومی است. در بالای طاقچه‌های اتاق‌ها نیز از قوس نیم‌هلال رومی استفاده شده است. تزینات قابل توجه دیگر خانه گچ‌بری‌های انجام شده در ایوان‌ها است. در نقوش این گچ‌بری‌ها آثاری از تاثیرات هنر معماری غرب و استفاده از اشکالی بدیع همچون بیضی را می‌توان مشاهده کرد. به هر حال تاثیر هنر غربی در عناصر و تزینات این خانه بسیار کم‌رنگ است و صرفاً در قوس پنج‌دری‌ها و تا حدی گچ‌بری‌ها قابل ردیابی است. تزینات قابل توجه دیگری در خانه مشاهده نمی‌شود و دیوارها و سقف اتاق‌های خانه با اندود سفید و ساده گچی پوشیده شده

جبهه‌های شمالی، شرقی و غربی بنا هم‌ارتفاع و کوتاه‌تر از جبهه جنوبی آن است. نمای شمالی به واسطه تکرار قوس‌های سه‌گانه و نیم‌هلال سه‌دری‌ها و تک قوس نیم‌هلال دو راهروی میانی بسیار موزون و در عین حال غیرتکراری به نظر می‌رسد. در واقع جرز میان راهروها و سه‌دری‌ها، با وجود اندازه نسبتاً نزدیک دهانه قوس‌ها، مانع از ایجاد یکنواختی در هارمونی بصری این نما شده است.

در نماهای غربی و شرقی، به واسطه عرض زیاد راهروها و استفاده از قوس‌های جناغی در دهانه‌های باریک پنج‌دری‌ها و قوس کلید در بالای راهرو، ریتم به دست آمده متفاوت است و نمای راهروها متمایز از نمای پنج‌دری‌ها است. البته در نمای شرقی حیاط به واسطه وجود ایوانی هم‌اندازه با یک اتاق پنج‌دری ریتم به وجود آمده متنوع‌تر و متفاوت از نمای شمالی و غربی است و ایوان، این جبهه را تحت سیطره خود گرفته است. در هر صورت تقارن محوری در ساختار تمامی نماها جلب توجه می‌کند (جدول ۱).

زیرزمین‌های خانه در دو جبهه جنوبی حیاط (به صورت یک فضا و متشکل از سرداب) و جبهه غربی حیاط (به صورت تابستان‌نشین و متشکل از تالار اصلی و فضاهای خدماتی و تکمیلی دیگر) واقع است. انتقال برخی از فضاهای خدماتی خانه مانند سرداب و انباری به زیرزمین نشان‌دهنده رعایت سلسله مراتب فضایی در طراحی خانه است. از آنجایی که کف طبقه همکف به اندازه سه پله (در حدود شصت سانتی‌متر) از کف حیاط بالاتر است، در حدفاصل موجود از نورگیرهایی برای روشنایی فضاهای زیرزمین استفاده شده است. این امر در واقع یکی از دلایل اختلاف ارتفاع حیاط و طبقه همکف در خانه‌های سنتی دارای زیرزمین به شمار می‌رود.

در خانه، به غیر از حیاط‌های اندرونی و بیرونی، حیاط دیگری نیز وجود دارد، که دارای ابعاد کوچک‌تری است و نارنجستانی نامیده می‌شوند. وظیفه این حیاط تامین نور برای اتاق‌های پیرامونی خود است. این حیاط به واسطه کوچک بودن ابعاد قابلیت پوشیده شدن و داشتن سقف موقت را دارد، تا از درختان و گیاهان داخل آنها در فصول سرد سال محافظت گردد (نمودار ۵).

است (شکل ۲).

۶- عمارت ذوالفقاری زنجان (نمونه موردی خانه غربی)

این عمارت در یکی از محلات قدیمی شهر زنجان، در تقاطع خیابان طالقانی و زینبیه، واقع شده است. این خانه ساختمان مسکونی و اداری حکمران زنجان بود و از مجموعه بناهای متعددی تشکیل شده بود، که در حال حاضر فقط عمارت اصلی آن به نام «عمارت محمودخان ذوالفقاری» باقی مانده است. دیرینگی عمارت به اواخر دوره قاجار مربوط می‌شود و بنای اولیه آن به سردار اسعدالدوله (پدر محمودخان) منسوب است، که محمودخان پس از وی در آن اقامت گزید (ژاله رفعتی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۳۱). همان طور که اشاره شد، سال‌های پایانی دوره ناصری و پس از آن مصادف با اوج‌گیری گرایش به معماری غرب در بناهای سلطنتی است. اشراف و سران حکومت قاجار نیز به تبعیت از سلیقه شاه سعی در عمارت و آراستن محل زندگی خود به سبک و سیاق کاخ‌های سلطنتی متأثر از طرح و نقشه کاخ‌ها و عمارت‌های اروپایی داشتند. در این میان، خاندان متنفذ ذوالفقاری نیز از جمله کسانی بودند که در پیشبرد امور زندگی و بنای خانه‌های خود تحت تاثیر این رویکرد تجددطلبانه قرار داشتند؛^۱ از این رو در بنای عمارت ذوالفقاری و عمارت‌های دیگر خود معماری غرب را به عنوان منشاء اصلی الهام و الگوبرداری قرار دادند.^۲ این عمارت با توجه به اجرای طرح‌های عمران شهری در سال‌های اخیر دچار آسیب‌های چندی شده است؛ از جمله با احداث خیابان زینبیه و عبور آن از داخل حیاط مجموعه، قسمتی از عرصه بنا از بین رفت و بخشی دیگر به پارک تبدیل شد. به هر حال بنایی که مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت، بنای اصلی عمارت است، که هم‌اکنون به موزه باستان‌شناسی زنجان تبدیل شده است.

۱. عزیمت محمود خان ذوالفقاری برای تحصیل در رشته اقتصاد به فرانسه نیز موید این مطلب است.
۲. از نکات قابل توجه این است که به تبع احداث این بنای برون‌گرا، خانه‌های دیگری به همین سبک و سیاق همچون خانه وزیری، خانه خدیوی و عمارت دارایی به عنوان نمادهای محله اعیان نشین زنجان در همسایگی آن احداث شده بود، که از میان آنها عمارت دارایی همچنان پابرجا است.

۷- معماری عمارت ذوالفقاری

خانه در زمان احداث به صورت ویلایی منفرد در مرکز یک باغ بزرگ قرار گرفته بود و هم‌اکنون حصارها و پوشش گیاهی باغ با خیابان و پیاده‌روهای گسترش یافته جایگزین شده است. به طور کلی به واسطه فرم منفرد و ویلایی بنا تفاوتی برای محارم و غیر محارم در نحوه دسترسی به فضاهای خانه لحاظ نشده و ورودی خانه فاقد سلسله مراتب فضایی گذشته بوده و برای عموم یکسان است. بنا دارای دو طبقه است. یک محور شمالی-جنوبی، که از وسط راه‌پله واقع در مرکز سرسرای ورودی می‌گذرد، پلان خانه را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می‌کند. فضاهای خانه پیرامون این راه‌پله سبک اروپایی قرار گرفته‌اند (شکل ۴). پلان خانه به واسطه وجود این راه‌پله تا حدی در راستای عمق خانه گسترش یافته و نهایتاً پلانی مستطیل شکل با عمق نسبتاً زیاد به دست آمده است (جدول ۲، نقشه ۲-۱).^۳ به غیر از راه‌پله مرکزی، چهار اتاق دیگر نیز در سه طرف سرسرا وجود دارد. از طبقه همکف برای انجام امور اداری و حکومتی استفاده می‌شد و طبقه اول دارای کاربرد مسکونی بود. ارتباط در طبقه اول نیز از طریق راهروهای پیرامون راه‌پله مورد بحث میسر است. راه‌پله در پاگرد به صورت دوبازوی عمود بر راستای اولیه به جناحین شرقی و غربی طبقه اول منتهی می‌شود.^۴ فضای پیرامون راه‌پله در طبقه اول، هالی نسبتاً بزرگ و مرتفع است، که در چهار طرف آن اتاق‌هایی، شامل تالار و اتاق‌های پذیرایی، سالن غذاخوری، اتاق‌های خواب مهمانان قرار دارد. تالار پذیرایی جنوبی طبقه اول وسیع‌تر

۳. این ویژگی در خانه مشیرالدوله پیرنیا، که یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها در خانه‌های سبکی غربی دوره قاجار است، به شیوه واضح‌تری متجلی شده است. سرسرا و راه‌پله مرکزی، ایوان مرکزی جنوبی و راه‌پله منتهی به آن، ورودی پیش‌آمده شمالی و بالکن روی آن و همچنین عناصر و تزئینات کارشده در این خانه از جمله بهترین نمونه‌ها در الگوبرداری مستقیم از معماری غرب محسوب می‌شوند (شکل ۷). جبل عاملی معتقد است که در اغلب خانه‌های سبک اروپایی یک فضای نیمه‌باز سرتاسری حد فاصل فضاهای داخلی و خارجی ایجاد می‌شود، که آن را ایوان می‌نامند (جبل عاملی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۰). این فضا در خانه پیرنیا جلب توجه می‌کند.

۴. نصیری انصاری منشاء اولیه استفاده از پله‌هایی که از سرسرا شروع می‌شوند و در پاگرد به دو شاخه در مقابل یکدیگر تا بالا امتداد می‌یابند را الگوبرداری از معماری روسیه در دوره ناصری می‌داند (نصیری انصاری، ۱۳۵۰: ۲۷۸).

است و در ضلع جنوبی آن، بر روی فضای ورودی، بالکنی ستون‌دار به سبک و سیاق اروپایی همراه با سرستون‌های کرتسی وجود دارد (شکل ۵). ارتباطات فضایی با اتاق‌ها، به شیوه‌ای اروپایی و از طریق این حال صورت می‌گیرد؛ البته اکثر اتاق‌ها دارای ارتباط مستقیم با هم نیز هستند. در مرکز سقف فضای ارتباطی طبقه اول نورگیری سقفی، تحت عنوان کلاه فرنگی، به شکل هشت‌ضلعی وجود دارد، که روی آن از پوشش شیروانی استفاده شده است. در قسمت شرقی طبقه اول اتاق‌هایی مختص ساکنین خانه، با عملکردهای نشیمن و خواب، وجود دارد. در بخش جنوبی این اتاق‌ها ایوانی نسبتاً بزرگ به طول ۱۰/۸۰ و عرض ۲/۴۰ متر قرار گرفته است. طبقه همکف نیز از نظر تقسیم‌بندی فضایی شباهت زیادی به طبقه اول دارد، با این تفاوت که به جای سالن غذاخوری طبقه اول، دو پستو و صندوق‌خانه تعبیه شده است.

دارای نقوش گیاهی پوشیده شده و پوشش سقف طبقات در اکثر فضاها با شبکه‌های چوبی مربع، مستطیل و یا اشکال دیگر منتظم به وجود آمده است. در اکثر این شبکه‌های چوبی نقاشی‌هایی با مضامین مناظر طبیعی به چشم می‌خورد (شکل ۶). درهای موجود در عمارت، که همگی لولایی هستند، عموماً مشبک و به شکل مستطیل هستند، هر چند از نمونه هلالی نیز در سرسرای ورودی استفاده شده است (شکل ۴). شومینه‌های تزئینی اتاق‌ها نیز از دیگر عناصر تزئینی عمارت به شمار می‌روند، که غالباً دارای حس و حال نمونه‌های موجود در معماری سبک نئوکلاسیک است (شکل ۵). تزئینات داخلی قابل توجه دیگری در فضاها خانه به چشم نمی‌خورد.

۹- مقایسه

۱۰- موقعیت مکانی

خانه مشکیان همانند غالب خانه‌های سنتی ایران در کوچه‌ها و بن‌بست‌های واقع در گذرهای فرعی محلات احداث شده است؛ در حالی که عمارت ذوالفقاری در نزدیکی سبزه‌میدان (میدان کهن شهر) و در حاشیه یکی از معابر و خیابان‌های اصلی شهر بنا شده است.

غالب پنجره‌های بنا، به واسطه اقلیم سرد و کوهستانی زنجان، در ضلع جنوبی خانه، رو به باغ تخریب شده سابق، قرار گرفته‌اند. نحوه قرارگیری و ابعاد پنجره‌ها به گونه‌ای است که ارتباط بصری عمارت با محیط شهری، حتی با فرض حصارهای تخریب‌شده پیشین، میسر است (شکل ۳).

۸- عناصر و تزئینات عمارت ذوالفقاری

نمای آجری بنا، به واسطه استفاده از عناصر و تزئینات معماری غرب دارای حال و هوایی غیر ایرانی است. به عنوان مثال موارد ذیل به عنوان مصادیق الگوبرداری از معماری غرب در نمای اصلی این عمارت جلب توجه می‌کند: در بالای اکثر پنجره‌های جنوبی لچکی‌های سنتوری‌شکل غربی مشاهده می‌شود؛ ستون‌ها و سرستون‌های کار شده در نما از نمونه‌های موجود در شیوه کورنتی تقلید شده‌اند؛ سقف شیروانی بنا و اشکال شکسته آن سابقه‌ای در معماری گذشته ایران ندارد؛ اشکال برخی از پنجره‌ها و انحنای موجود در عناصر تشکیل دهنده آنها از الگوهای موجود در معماری غرب الهام گرفته شده‌اند (شکل ۳).

۱۱- پلان و ترکیب‌بندی


گسترده‌گی خانه مشکیان، به واسطه وجود حیاط مرکزی و تبعیت از رون راسته، در راستای شمال شرقی-جنوب غربی است؛ در حالی که گسترده‌گی عمارت ذوالفقاری به صورت مستطیلی کشیده در راستای غربی-شرقی و عمود به خیابان مجاور است. خانه مشکیان دارای پلانی حیاط محور، متشکل از دو حیاط اندرونی و بیرونی است. حیاط نسبتاً کوچک بیرونی، که در سمت چپ هشتی ورودی قرار دارد، به غیرمحرارم اختصاص دارد و حیاط بزرگ اندرونی سازمان‌دهنده فضاها پلان است؛ در حالی که عمارت ذوالفقاری فاقد حیاط مرکزی سنتی است و دارای پلانی پله محور با مرکزیت سرسرا و راه‌پله مرکزی واقع در آن است. پلان خانه مشکیان فاقد شکست در فضاها اندرونی و بیرونی است؛ در حالی که عمارت ذوالفقاری، به واسطه

سطوح دیوارهای داخلی دارای پوشش گچی است. آزاره‌های دیوارهای داخلی با کاشی‌کاری‌های نیمه‌برجسته



شکل ۳. نمایی از جبهه جنوبی عمارت ذوالفقاری؛ مأخذ: www.kojaro.com

جدول ۲. نقشه‌های عمارت ذوالفقاری (زنجان)

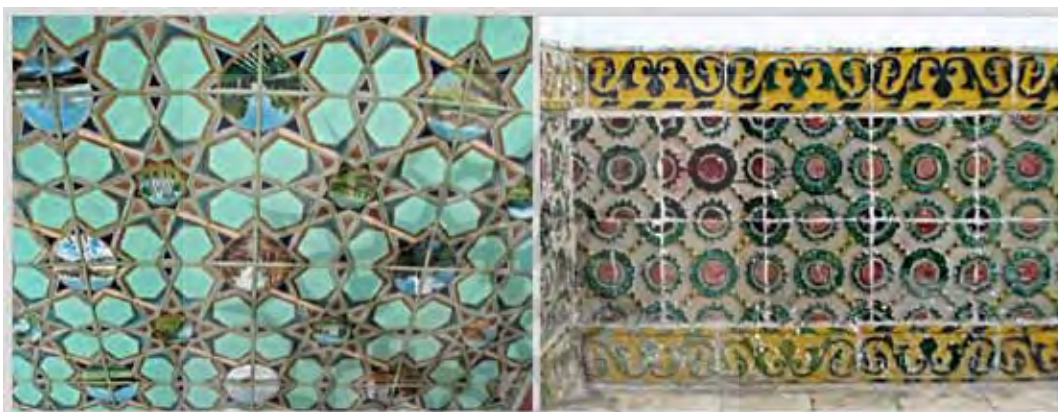
۳. نمای جنوبی	۲. پلان طبقه اول	۱. پلان طبقه همکف
		
مأخذ: سازمان میراث فرهنگی استان زنجان	مأخذ: سازمان میراث فرهنگی استان زنجان	مأخذ: سازمان میراث فرهنگی استان زنجان
۵. پلان موقعیت		۴. جزئیات نمای جنوبی
		
مأخذ: Google Maps		مأخذ: سازمان میراث فرهنگی استان زنجان



شکل ۴. تصاویری از سرسرای ورودی و راه‌پله مرکزی عمارت ذوالفقاری؛ مأخذ: نگارنده



شکل ۵. تصاویری از عناصر و تزیینات غربی عمارت ذوالفقاری؛ مأخذ: نگارنده



شکل ۶. نماهایی از کاشی‌کاری و شبکه چوبی سقف در فضاهای داخلی عمارت ذوالفقاری؛ مأخذ: نگارنده



شکل ۷. تصاویری از فضاها، عناصر و تزیینات خانه مشیرالدوله پیرنیا (تهران)؛ مأخذ تصاویر: نگارنده

حالی که فضاهای اصلی عمارت ذوالفقاری به شیوه‌ای برون‌گرایانه پیرامون سرسرای ورودی قرار گرفته و در ارتباط مستقیم با محیط بیرونی هستند. خانه مشکیان، طبق گونه‌شناسی پلان در خانه‌های سنتی، از الگوی خانه‌های

وجود ورودی و بالکن پیش‌آمده، دارای پلانی شکسته همراه با پیش‌آمدگی و پسر رفتگی است. فضاهای اصلی خانه مشکیان به شیوه‌ای درون‌گرایانه پیرامون حیاط و فضاهای فرعی‌تر در پشت این فضاها یا زیرزمین قرار گرفته‌اند؛ در

دو حیاطه چهارجبهه ساخت تبعیت می‌کند (نک فرخ‌پار، ۱۳۹۲). این امر موجب شده که عمق هر یک از جبهه‌ها در راستای حداکثر استفاده از شرایط محیطی و طبیعی دارای اندازه نسبتاً کمی باشد؛ لیکن وجود سرسرا و راه‌پله مرکزی در عمارت ذوالفقاری موجب گسترش عمقی پلان آن نسبت به جبهه‌های واقع در پلان خانه‌های سنتی شده است. در غالب خانه‌های سنتی از فرم‌هایی به صورت شکم‌دریده یا چلیپا در ترکیب‌بندی اطاق‌های اصلی استفاده می‌شود. در خانه مشکیان نیز از فرم شکم‌دریده در ترکیب‌بندی پنج‌دری و شاه‌نشین پستی آن استفاده شده است. در عمارت ذوالفقاری، مانند دیگر خانه‌های متأثر از معماری غرب، فضایی به شکل چلیپا یا شکم‌دریده وجود ندارد و تمامی اطاق‌ها دارای شکل چهارگوش منظم هستند.

۱۲- نما و مقطع

خانه مشکیان با احتساب زیرزمین دارای بنایی سه طبقه است. فضاهای اصلی و درجه یک این خانه (مانند تالار ارسی، سه‌دری و پنج‌دری) و فضاهای تابعه آنها مانند انبار، پستو و مطبخ (فضاهای درجه دو) در طبقات همکف و اول قرار دارند. فضاهای درجه سه (همچون سرداب، حمام و آبریزگاه) نیز در زیرزمین واقع هستند. چنین سلسله‌مراتب طبقاتی در عمارت ذوالفقاری مشاهده نمی‌شود و فضای زیرزمین، که نقش فضای خدماتی را در اغلب خانه‌های سنتی ایفاء می‌کرده، از فضاهای خانه حذف شده است. نماهای خارجی خانه مشکیان به صورت کاملاً ساده، بدون تزیین و بدون روزن است؛ در حالی که رویکرد اصلی در طراحی نمای خارجی عمارت ذوالفقاری داشتن ارتباط بصری قوی با محیط بیرونی و حداکثر استفاده از تزیینات و آرایه‌های عموماً غربی است. پوشش به‌کاررفته در نمای خارجی خانه مشکیان، همانند دیگر خانه‌های سنتی ایران، از جنس گاه‌گل است؛ در حالی که آجر پوشش اصلی نماهای چهارگانه عمارت ذوالفقاری را تشکیل می‌دهد. خط آسمان در خانه مشکیان تقریباً صاف با حداقل شکست است؛ در حالی که در عمارت ذوالفقاری، به واسطه استفاده از پوشش شیروانی، غیرصاف و کاملاً شکسته است. در چهار نمای داخلی خانه مشکیان تقییدی بسیار واضح نسبت به ایجاد

تقارن وجود دارد؛ در حالی که تقیید چندانی به ایجاد تقارن در نماهای عمارت ذوالفقاری، به خصوص نمای جنوبی، وجود ندارد.

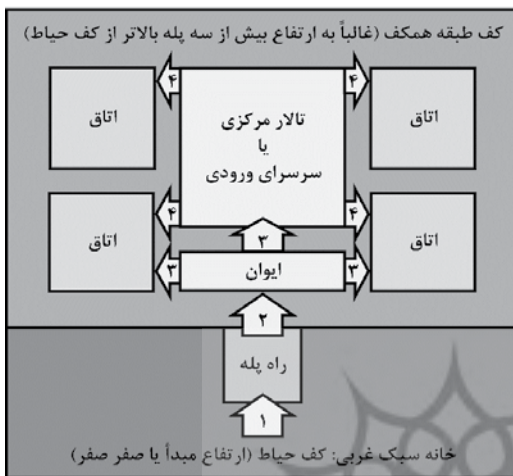
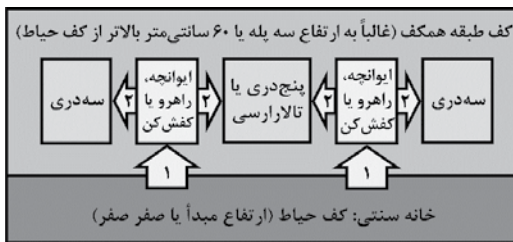
استفاده از طاق‌نماهای جناغی ایرانی و درهای دارای قوس نیم هلال در نماهای خانه مشکیان جلب توجه می‌کند؛^۱ با این حال آنچه در نمای اصلی عمارت ذوالفقاری جلب توجه می‌کند، مجموعه‌ای از اشکال و فرم‌های عاریتی غربی است، که به صورت ستون‌ها و سرستون‌های یونانی، پنجره، لچکی‌های سنتوری‌شکل روی پنجره و غیره متجلی شده است. مقاطع خانه مشکیان عاری از پیش‌آمدگی و دارای حداقل پسر رفتگی (به صورت ایوان مسقف و هم‌تراز با نما) است؛ ولی در عمارت ذوالفقاری پیش‌آمدگی‌ها و پسر رفتگی‌های متعددی به صورت ورودی و بالکن وجود دارد.^۲ ارتباطات عمودی خانه مشکیان در جداره‌ها و نقاط غیر مرکزی قرار گرفته‌اند؛ در حالی که ارتباطات عمودی عمارت ذوالفقاری در نقطه مرکزی مقطع و پلان قرار دارد.

۱۳- نظام گردش

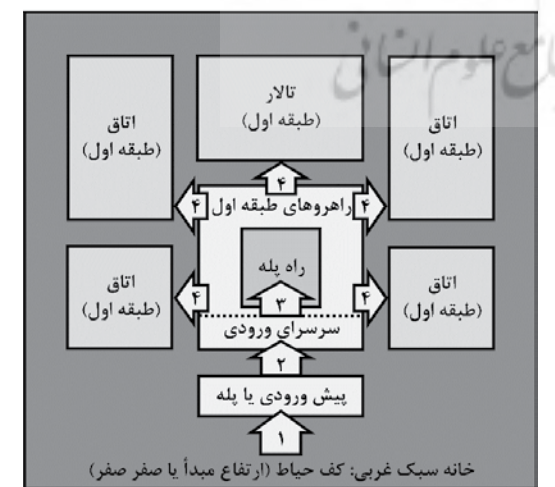
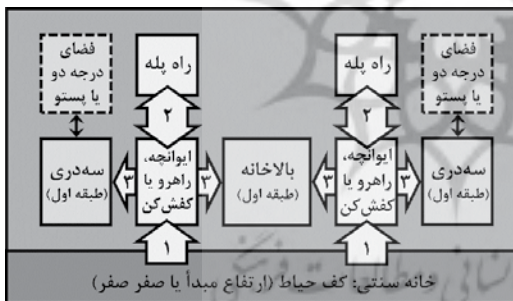
نظام گردش ورودی در خانه مشکیان دارای سلسله مراتب جلوخان-هشتی-دالان-حیاط است؛ در حالی که ورودی اصلی باغ و عمارت ذوالفقاری (پیش از تغییرات انجام شده در سال‌های اخیر) به صورت سردری رفیع همراه با آرایه‌های غربی بود، که ضمن ارتباط مستقیم با حیاط فاقد سلسله مراتب متداول در ورودی‌های سنتی بود. نحوه دسترسی و ورود به فضاهای خانه مشکیان برای محارم و غیر محارم از طریق حیاط اندرونی و بیرونی تفکیک شده است؛ در حالی که تمایزی برای محارم و غیر محارم

۱... وجود قوس‌های نیم‌هلال در نماهای داخلی خانه مشکیان جزء معدود نشانه‌های تاثیر معماری غرب در شکل‌گیری عناصر معماری این بنا محسوب می‌شود. به گفته پیرنیا «معماران کهن ما کاربرد آن را نادرست می‌دانستند؛ ولی در زمان قاجاریان از قوس‌های معماری غربی که همگی یا نیم‌دایره یا دسته‌زنایی بودند الگو گرفتند» (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۳۴۴).

۲... پیش‌آمدگی‌ها و پسر رفتگی‌های به‌کاررفته به صورت ورودی، بالکن و ایوان مقابل راه‌پله ورودی در عمارت پیرنیا از جمله بهترین مصادیق الگو برداری مستقیم از معماری غرب در معماری مسکونی قاجار به شمار می‌رود (شکل ۷).



نمودار ۶. مقایسه شیوه دسترسی و ورود به اتاق‌های خانه‌های سبک سنتی و غربی دوره قاجار؛ مأخذ: نگارنده



نمودار ۷. مقایسه شیوه دسترسی به طبقات در خانه‌های سبک سنتی و غربی دوره قاجار؛ مأخذ: نگارنده

در ورود و دسترسی به فضاهای عمارت ذوالفقاری لحاظ نشده است. نظام گردش دسترسی به فضاهای داخلی خانه مشکیان بر محوریت حیاط مرکزی استوار است؛ در حالی که سرسرا و راهروهای پیرامون پیرامون راه‌پله مرکزی این وظیفه را در عمارت ذوالفقاری بر عهده دارند. نحوه ورود به اتاق‌ها در خانه مشکیان از طریق پیش‌ورودی یا کفش‌کن (راهرو) واقع در یک طرف یا دو طرف اتاق‌ها میسر است و ورودی مستقیم مشاهده نمی‌شود؛ در حالی که سرسرای ورودی و فضاهای پیرامون راه‌پله مرکزی عمارت ذوالفقاری واسطه اصلی و مستقیم دسترسی به فضاهای مهم خانه به شمار می‌آید (نمودار ۶).

ارتباطات عمودی موجود در خانه مشکیان با قرارگیری در نقاط غیر مرکزی پلان و جداره‌ها از اهمیت نسبتاً کمی نسبت به دیگر فضاهای خانه برخوردار هستند. این وضعیت در مورد عمارت ذوالفقاری کاملاً متفاوت است و ارتباطات عمودی با قرارگیری در نقطه مرکزی پلان مهمترین نقش را در سازماندهی فضاهای خانه بر عهده دارد (نمودار ۷).

۱۴- عناصر و تزیینات

نماهای خارجی خانه مشکیان عاری از تزیینات است؛ ولی نماهای خارجی عمارت ذوالفقاری پرتراکم‌ترین بخش تزیینی عمارت به شمار می‌رود. جلوخان ورودی خانه مشکیان جهت تکریم مهمانان و تاکید بر فضای ورودی از طریق پسر رفتگی دارای عناصر کاربردی و تزیینات کمینه رایج در تمامی جلوخان‌ها و سردرهای ورودی خانه‌های سنتی ایرانی است. در حالی که تزیینات کار شده در ورودی و بالکن پیش‌آمده عمارت ذوالفقاری متشکل از عناصری

۱. فتح‌الله‌یف می‌نویسد: «ناصرالدین‌شاه، حیرت‌زده از تماشای کاخ‌ها و عمارت‌های پایتخت‌های اروپایی، علاقمند به استفاده از قفسه راه‌پله به عنوان عنصری باشکوه و محوری در کاخ‌هایش شده بود» (Fatullayev, 2013: 221). استفاده از این شیوه دسترسی، ضمن انتقال هویتی جدید به اکثر کاخ‌های دوره ناصری، موجب ایجاد نوعی آزادی در روابط فضایی کاخ‌های دوره میانی و پایانی قاجار شد. این طرح کاملاً غربی پس از ورود به کاخ‌های قاجاری به تدریج به خانه‌های جدید راه پیدا کرد. اعتصام نیز معتقد است که پله تشریفاتی با دست‌انداز تزیینی در معماری ایران سابقه نداشته و سوغاتی کاملاً فرنگی است (اعتصام، ۱۳۷۴: ۹۳).

همچون در نیم‌هلال چوبی، سرستون‌های یونانی و نرده‌های تزئینی فلزی است، که همگی دارای حس و حال عناصر و تزئینات غربی هستند. عناصر و تزئینات کارشده در هشتی ورودی خانه مشکیان مانند طاقچه‌ها، سکوها، نورگیر سقفی و ترکیب‌بندی رنگی به دست‌آمده حس و حال فضایی صمیمی و مناسب برای ایجاد مکث و توقف مهمانان به وجود آورده است. در مقابل هشتی خانه مشکیان، عناصر معماری کاربردی و قابل توجه مانند طاقچه و سکو در سرسرای ورودی عمارت ذوالفقاری مشاهده نمی‌شود و مبلمان فلزی و چوبی جایگزین آنها شده است. طاق نماهای به کار رفته در نماهای داخلی خانه مشکیان به دو صورت جناغی و نیم‌هلال است؛ البته طاق‌نمای کارشده در ایوان‌ها دارای قوس کلیل است. قوس‌های به کار رفته در بالای تمامی پنج‌دری‌ها و سه‌دری‌ها به صورت نیم‌هلال رومی است. در بالای طاقچه‌های اتاق‌ها نیز از قوس نیم‌هلال رومی استفاده شده است. تزئینات قابل توجه دیگر خانه گچ‌بری‌های انجام‌شده در ایوان‌ها است. در نقوش این گچ‌بری‌ها آثاری از تأثیرات هنر معماری غرب و استفاده از اشکالی بدیع همچون بیضی را می‌توان مشاهده کرد. به هر حال تأثیرات نسبتاً کم‌رنگ هنر و معماری غرب صرفاً در عناصر و تزئینات این خانه شامل قوس روی درها و گچ‌بری‌ها قابل‌ردیابی است. تزئینات کارشده در عمارت ذوالفقاری از تنوع و تعدد بیشتری نسبت به تزئینات خانه مشکیان برخوردار بوده و بیشتر آنها بر روی نمای جنوبی عمارت متمرکز است. حال و هوای غیرایرانی تزئینات مذکور در موارد متعددی جلب توجه می‌کند؛ من جمله: لچکی‌های سنتوری شکل روی نمای جنوبی؛ ستون‌ها و سرستون‌های کورنتی نمای جنوبی؛ سقف شیروانی عمارت و اشکال شکسته آن؛ پنجره‌های دارای اشکال و انحنای غربی به سبک گوتیک؛ نرده‌های تزئینی فلزی بالکن و جلوی پنجره‌ها؛ نقاشی‌های دارای مضامین مناظر طبیعی بر روی شبکه‌های چوبی سقف؛ شومینه‌های تزئینی اروپایی.

۱۵- مصالح و فن ساختمان

در هر دو بنای مورد بحث از مصالح و تکنیک‌های اجرایی سنتی ایرانی استفاده شده است و آثاری از عناصر

سازه‌ای غربی و ستون‌های فلزی مشاهده نمی‌شود؛ لیکن نمایش آجر به صورت سازه‌ای- تزئینی در نمای خارجی و استفاده از خرپای چوبی در سقف عمارت ذوالفقاری، متأثر از شیوه‌های رایج در اروپا، قابل توجه است.

۱۶- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

بررسی‌های انجام‌شده بر روی دو خانه قاجاری مفروض در تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت‌هایی عمده بین جزئیات و کلیات معماری خانه مشکیان، به عنوان نمونه موردی خانه سنتی، و عمارت ذوالفقاری، به عنوان نمونه موردی خانه غربی، وجود دارد، که با صرف نظر کردن از برخی استثنائات ما را در معرفی این دو بنا به عنوانی نمادی از دو سبک و نظام ارزشی متفاوت در معماری مصمم‌تر می‌نماید. مصادیق این ادعا در «جدول ۳» ارائه شده است. این تفاوت‌ها، که مهم‌ترین مصادیق آن در افزایش برون‌گرایی کالبدی- فضایی و تغییرات در نظام گردش فضایی عمارت ذوالفقاری متجلی شده، بی‌تردید نشان از گذار از جهان سنت به جهان تجدد در فرهنگ خانه‌سازی معماری ایران است، که در فضای فرهنگی و اجتماعی اشراف و خواص قاجاری در راستای نوگرایی، تمایزطلبی و میل به ارتباط بیشتر فضای خانوادگی آنان با جامعه به وقوع پیوست. با این حال استفاده گسترده از عناصر و تزئینات معماری غرب و عدم تحول در فنون اجرایی ساختمان نقش برجسته مسائل احساسی و غیراندیشمندانه را در الگو برداری از معماری غرب روشن می‌نماید. مقایسه اخیر حاکی از آن است که معماری مسکونی قاجار در گذر از جهان سنت به تجدد تحولی بسیار عظیم و پرشتاب را پشت سر نهاد؛ لیکن در بهره‌برداری از دستاوردهای اصیل و تاریخی معماری سنتی ایران و شیوه‌های نوین فن ساختمان در اروپا به حداقل مقصود بسنده کرد.

جدول ۳. مقایسه تطبیقی شاخصه‌ها و خصوصیات معماری و تزیینات دو الگوی سنتی و غربی در خانه‌های دوره قاجار بر اساس تجزیه و تحلیل نمونه‌های موردی و پیشنهاد تحقیق (مأخذ: نگارنده)

مورد مقایسه	خانه‌های سبک سنتی	خانه‌های سبک غربی
نمونه موردی	● خانه مشکیان (بیزد)، خانه‌ای در عودلاجان (تهران).	● عمارت ذوالفقاری (زنجان)؛ خانه پیرنیا (تهران).
سبک تاثیرگذار	● سنتی و تأثیرات جزئی معماری اروپا بر عناصر و تزیینات.	● نئوکلاسیک و سبک‌های رایج قرن ۱۹ میلادی در اروپا.
موقعیت مکانی	● قرارگیری در گذرهای فرعی محلات.	● قرارگیری در حاشیه معابر اصلی.
پلان و ترکیب بندی	● عقب‌نشینی ورودی از گذر؛	● پیش‌آمدگی ورودی نسبت به بنا؛
	● عدم وجود دید مستقیم از معابر به خانه؛	● برون‌گرایی و وجود دید از معابر به درون خانه؛
	● تقید به جهت‌گیری و استقرار بنا بر اساس رون‌های سنتی معماری ایران؛	● عدم تقید قطعی به جهت‌گیری و استقرار بنا بر اساس رون‌های سنتی معماری ایران؛
	● تقسیم‌بندی فضاها به دو گروه خصوصی (اندرونی) و غیر خصوصی (بیرونی)؛	● عدم تقسیم‌بندی فضاهای خانه به دو گروه خصوصی (اندرونی) و غیر خصوصی (بیرونی)؛
	● پلان درون‌گرا و حیاط‌محور، با حداقل یک حیاط اندرونی و یک حیاط بیرونی؛	● برون‌گرایی، فقدان حیاط مرکزی و محوریت راه‌پله و سرسرای ورودی در سازماندهی پلان؛
	● حداقل شکست در پلان؛	● وجود پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی در پلان؛
	● کشیدگی جبهه‌های شمالی و جنوبی در راستای شرقی-غربی؛	● گسترش و کشیدگی نسبی پلان در راستای شمالی-جنوبی؛
	● تقسیم‌بندی پلان به دو جبهه زمستان‌نشین (جبهه شمالی) و تابستان‌نشین (جبهه جنوبی)؛	● قرارگیری فضاهای اصلی سکونت در ضلع جنوبی و فضاهای خدماتی در ضلع شمالی؛
	● قرارگیری فضاهای درجه یک (مانند تالار و پنج‌دری) پیرامون حیاط مرکزی؛	● قرارگیری فضاهای درجه یک (مانند تالار و اتاق پذیرایی) پیرامون سرسرای ورودی؛
	● قرارگیری فضاهای درجه دو (مانند انبار، پستو و مطبخ) در پشت فضاهای درجه یک؛	● قرارگیری فضاهای درجه دو (همچون پستو و مطبخ) در طبقه هم‌سطح فضاهای اصلی؛
	● قرارگیری فضاهای درجه سه (مانند سرداب، حمام و آبریزگاه) در زیرزمین؛	● قرارگیری فضاهای درجه سه همچون حمام و آبریزگاه در طبقه هم‌سطح فضاهای اصلی؛
	● وابستگی فضاهای درجه یک و عدم وابستگی فضاهای دیگر از منظر شرایط محیطی به حیاط؛	● نورگیری تمامی فضاهای خانه و وابستگی آنها از منظر شرایط محیطی به فضای بیرونی؛
	● استفاده از ایوان مرکزی به منظور ایجاد فضای مکث نیمه باز در حیاط؛	● استفاده از فضای نیمه‌باز سرتاسری یا ایوان سرتاسری در یکی از جناحین شمالی یا جنوبی؛
	● استفاده از حوض کشیده شمالی-جنوبی و باغچه‌های طرفین آن در حیاط؛	● استفاده از حوض‌های دایروی یا بیضوی و قرارگیری باغچه در پیرامون آن؛
	● محوریت تالارهای مرکزی دارای اشکال شکسته به صورت چلیپا یا شکم‌دریده در جبهه‌های پلان؛	● محوریت سرسرای مرکزی دارای شکل چهارگوش منظم در پلان؛
	● جانمایی تالار در مرکز نماهای داخلی؛	● جانمایی بالکن در مرکز نماهای شمالی یا جنوبی؛
	● قرارگیری اتاق‌های مرتفع در محور مرکزی.	● قرارگیری راه‌پله ورودی در امتداد محور مرکزی.

جدول ۳. مقایسه تطبیقی شاخصه‌ها و خصوصیات معماری و تزیینات دو الگوی سنتی و غربی در خانه‌های دوره قاجار بر اساس تجزیه و تحلیل نمونه‌های موردی و پیشینه تحقیق (مأخذ: نگارنده) (ادامه)

مورد مقایسه	خانه‌های سبک سنتی	خانه‌های سبک غربی	
نظام گردش	• ورود به بنا از طریق جلوخان گودنشسته؛	• استفاده از سردرهای مجلل به جای جلوخان؛	
	• استفاده از هشتی در ورودی؛	• ورودی مستقیم و عدم استفاده از هشتی و دالان؛	
	• تفکیک نحوه دسترسی به خانه و استفاده از فضاها برای محارم و غیرمحارم؛	• عدم تفکیک نحوه دسترسی به خانه و استفاده از فضاها برای محارم و غیرمحارم؛	
	• نظام گردش و ورودی دارای سلسله مراتب سنتی از طریق جلوخان-هشتی-دالان-حیاط؛	• نظام گردش و ورودی و دسترسی غربی به صورت حیاط-راه‌پله-ایوان مرکزی-سرسرا-اتاق؛	
	• استفاده از دالان غیرمستقیم جهت ارتباط هشتی و ورودی به حیاط اندرونی؛	• وجود ورودی مستقیم به اتاق‌ها از ایوان ورودی و سرسرای ورودی؛	
	• عدم وجود ورودی مرکزی و مستقیم به اتاق‌ها؛	• استفاده از ورودی مستقیم از ایوان به اتاق‌ها؛	
	• ارتباط فضایی اتاق به اتاق، اتاق-دالان-اتاق و اتاق-تخت‌گاه-اتاق؛	• ارتباط فضایی سرسرا به اتاق و راهروی سرتاسری پیرامون راه‌پله مرکزی به اتاق؛	
	• ارتباطات عمودی نسبتاً پنهان و کم‌اهمیت؛	• ارتباطات عمودی نمایان و بسیار مهم؛	
	• عدم قرارگیری ارتباطات عمودی در نقاط مرکزی پلان؛	• قرارگیری ارتباطات عمودی در نقاط مرکزی پلان؛	
	• راه‌پله ساده و بدون تزیین سنتی.	• استفاده از پله تشریفاتی دارای دست‌انداز تزیینی.	
	نما و مقطع	• نمای بیرونی ساده، بدون تزیین و بدون روزن؛	• نمای خارجی دارای پنجره و تزیینات متعدد؛
		• خط آسمان صاف (یا با حداقل شکست) و گنبددار؛	• خط آسمان شکسته با شیروانی یا سنتوری؛
		• وجود تقارن و تعادل در نماهای چهارگانه حیاط؛	• عدم تقید قطعی به ایجاد تقارن در نماهای خارجی؛
		• استفاده از طاق‌نماها و قوس‌های ایرانی در ساختار نما صرف نظر از برخی استثنائات مربوط به استفاده از قوس نیم‌هلال؛	• استفاده از قوس‌های نیم‌هلال و دسته‌زنبیلی غربی و لچکی‌های سنتوری شکل در نما؛
• وجود گوشواره در طرفین تالارهای پذیرایی؛		• وجود بالکن در جلوی تالارهای پذیرایی؛	
• استفاده غالب از ارسی‌ها، پنجره‌ها و درهای مستطیل‌شکل؛		• استفاده از پنجره‌ها و درهای لولایی نیم‌هلال یا دسته‌زنبیلی؛	
• استفاده از ایوان ستون‌دار مسقف و هم‌تراز با نماهای داخلی در مرکز نما؛		• استفاده از ایوان یا فضای نیمه‌باز سرتاسری و بالکن جلوزده از نما؛	
• ارتفاع پایین‌تر حیاط نسبت به طبقه همکف و گذر بیرون از خانه؛		• ارتفاع گرفتن بیشتر طبقه همکف از حیاط نسبت به خانه‌های سنتی؛	
• استفاده از اختلاف ارتفاع (معمولاً به ارتفاع سه پله) بین حیاط و طبقه همکف جهت نورگیری زیرزمین؛		• استفاده از اختلاف ارتفاع نسبتاً زیاد بین حیاط و طبقه همکف جهت نورگیری کامل زیرزمین؛	
• استفاده از کاه‌گل به عنوان پوشش اصلی و خشت و آجر به عنوان پوشش فرعی نما.		• استفاده از آجر و تزیینات برجسته آجری به عنوان پوشش اصلی نما.	

جدول ۳. مقایسه تطبیقی شاخصه‌ها و خصوصیات معماری و تزیینات دو الگوی سنتی و غربی در خانه‌های دوره قاجار بر اساس تجزیه و تحلیل نمونه‌های موردی و پیشینه تحقیق (مأخذ: نگارنده) (ادامه)

مورد مقایسه	خانه‌های سبک سنتی	خانه‌های سبک غربی
عناصر معماری و تزیینات	● عدم وجود تزیینات در نمای بیرونی خانه (به غیر از جلوخان)؛	● استفاده از عناصر تزیینی متعدد در نماهای خارجی؛
	● استفاده از تزیینات نسبتاً پرکار در فضاهای داخلی؛	● تزیینات نسبتاً کمینه و هندسی نئوکلاسیک در فضای داخلی؛
	● استفاده غالب از عناصر تزیینی تخت، نیم‌برجسته و برجسته (به صورت مقرنس)؛	● استفاده از عناصر تزیینی نیم‌برجسته و برجسته (به صورت اشکال طبیعی)؛
	● تقید به استفاده از تقارن در ترکیب‌بندی نقوش و عناصر تزیینی؛	● عدم تقید قطعی به ایجاد تقارن در ترکیب‌بندی نقوش و عناصر تزیینی؛
	● تمرکز تزیینات بر فضاهای اصلی و داخلی خانه؛	● تمرکز تزیینات بر عناصر و سطوح نماهای خارجی؛
	● استفاده از نقوش هندسی (به صورت گره‌چینی و مقرنس) و اسلیمی در ساختار عناصر تزیینی؛	● استفاده از نقوش گیاهی آزاد و هندسی نئوکلاسیک در ساختار عناصر تزیینی؛
	● استفاده از گره‌چینی و بعضاً قواره‌کاری در ساختار ارسی‌های مستطیل‌شکل؛	● کاربرد اندک گره‌چینی و قواره‌کاری در ساختار عناصر معماری چوبی؛
	● درها، ارسی‌ها و پنجره‌های غالباً مستطیل‌شکل؛	● درها و پنجره‌های لولایی با قوس نیم‌هلال یا دسته‌زنبیلی؛
	● استفاده از طاقچه و رف به شکل چهارگوش و جناغی در اتاق برای قرار دادن لوازم زندگی؛	● استفاده از طاقچه به شکل نیم‌هلال و شومینه‌های اروپایی در اتاق‌ها؛
	● استفاده از عناصر سازه‌ای نمایان (مانند کاربندی سقف‌های گنبدی) در تزیین فضای داخلی.	● شبکه‌های چوبی کاذب (به صورت ساده یا همراه با نقاشی مناظر طبیعی) در زیر سقف‌ها؛
● استفاده از شیشه‌رنگی و ساده در پوشش پنجره‌ها و ارسی‌ها؛	● استفاده از شیشه ساده در پوشش پنجره‌ها؛	
● استفاده از عناصر و تزیینات معماری سنتی مانند بادگیر، مقرنس‌کاری گلولی‌ها و زیر نیم طاق‌ها، آئینه‌کاری به صورت گره‌چینی، بخاری دیواری، آستانه زیر در و غیره.	● استفاده از تزیینات حجمی غربی و دیگر عناصر غربی مانند سرستون یونانی، سنتوری، قوس نیم‌دایره رومی، حجاری بر روی ازاره‌ها با نقوش غربی و تزیینات سنگی دوره پنجره‌ها.	
مصالح و فن ساختمان	● شیوه اجرایی سنتی با استفاده غالب از خشت، گل و کاه‌گل (و بعضاً آجر) به عنوان مصالح اصلی؛	● شیوه اجرایی سنتی با استفاده از آجر و خشت به عنوان مصالح و عنصر تشکیل‌دهنده سازه بنا؛
	● سقف گنبددار یا تیرپوش مسطح با تیرهای چوبی و بام اندود شده با کاه‌گل.	● سقف تیرپوش مسطح با تیرهای چوبی و بام شیروانی با سازه خرپای چوبی.
سبک	سنتی	غربی

* در تکمیل این جدول به اطلاعات استخراج‌شده از تجزیه و تحلیل نمونه‌های موردی دیگر پژوهش نیز استناد شده است.

- ۱۷- منابع و مآخذ
۱. اعتصام، ایرج (۱۳۷۴)، «بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا» در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (جلد سوم، ۸۹-۱۱۰)، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
 ۲. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۹)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تهران: سروش دانش.
 ۳. جبل عاملی، عبدالله (۱۳۷۴)، «خانه‌های اصفهان در دوران معاصر» در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (جلد دوم، ۹۹-۱۳۶)، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
 ۴. رید، هربرت (۱۳۶۷)، «کتاب هنر» (ترجمه: یعقوب آژند)، تهران: انتشارات مولا.
 ۵. ژاله رفعتی، نرگس؛ جدی، فاطمه؛ فلاح، مریم (۱۳۸۲)، خانه ذوالفقاری‌ها (زنجان)، پروژه درس مرمت به راهنمایی دکتر تهرانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
 ۶. فرخیار، حسین (۱۳۹۲)، صد خانه صد پلان (ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیمی در بافت‌های تاریخی (اقلیم گرم و خشک))، کاشان: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان.
 ۷. قاسمی سیجانی، مریم؛ معماریان، غلام حسین (۱۳۸۹)، گونه‌شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان، هویت شهر، ۴(۷)، ۸۷-۹۴.
 ۸. قریب، فریدون (۱۳۷۴)، «معابر تهران در دوره قاجاریه» در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (جلد دوم، ۲۱۹-۲۰۳)، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
 ۹. نصیری انصاری، محمود (۱۳۵۰)، سیری در معماری ایران، تهران: هنرهای عالی.
10. Fatullayev, S. (2013), Qacarlar Dövründə İrandan Şəhərsalma və Memarlığın İnkişafı, Baku: Şarq-Qarb.